



شهید جواد امامعلی سبزی

ولادت: ۱۳۴۰/۱/۲۷، استان آذربایجان غربی

پذیرش در رشته بهداشت عمومی دانشگاه شهید بهشتی

شهادت: ۱۳۶۲/۲/۳۰، جبهه جنوب، عملیات والفجر ۱

آرامگاه: ارومیه، باغ رضوان

زندگی نامه

شهید جواد امامعلی سبزی در بیست و هفتم فروردین ۱۳۴۰ در شهرستان ارومیه دیده به جهان گشود. از کودکی علاقه وافری به کتابهای علمی و مذهبی داشت و همواره در مجالس مذهبی و قرآنی حضور می یافت. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را با موفقیت سپری کرد و در کنکور سال ۱۳۵۸ در رشته بهداشت عمومی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد.

او در کنار درس و دانشگاه به فعالیت های انقلابی و روشنگرانه خود نیز ادامه می داد و اعلامیه و نوارهای صوتی امام خمینی (ره) را که در دانشگاه از دوستان دانشجوی دریافت می کرد، به مساجد می برد و به اشخاص مورد اعتماد و فعال می رساند و خود از سازمان دهندگان حرکت های انقلابی و تظاهرات در ارومیه بود. به آتش کشیدن سینما کریستال که مرکز فساد اخلاقی در ارومیه شده بود، با دست های توانای این شهید صورت

گرفت. وی پلاکاردهایی تهیه و شبانه بر روی درختان نصب می‌کرد و نیز کوکتل مولوتوف و بمب‌های دستی و سه راهی^۱ درست می‌کرد و در اختیار عناصر انقلابی قرار می‌داد.

در عکاسی، تهیه اسلاید و نویسندگی مهارت داشت و آثاری در این زمینه از وی باقی مانده است. مدتی هم بخش‌دار صومای برادوست^۲ بود و زمانی نیز در سرو^۳ خدمت می‌کرد. پس از شروع جنگ تحمیلی در نخستین مأموریت خود به آبادان اعزام شد، سپس به اهواز و گیلان غرب و بعد به سومار و فگه رفت. بعد از تعطیل شدن دانشگاه‌ها چندین مرتبه در جبهه حضور داشت و مدتی هم در کردستان خدمت کرد و در آخرین عزیمت در سی‌ام اردیبهشت ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۱ هنگام پاک‌سازی منطقه عملیاتی از دشمن بعضی در اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید.^۴

فرازی از وصیت‌نامه

خدایا تنها یک آرزو بر دل دارم، مرا به وقت ظهور حضرت مهدی (عج) از قبر بیرون آور و زنده‌ام گردان تا همراه یاوران و شیعیانش برای تعالی کلمه «الله» در رکابش بجنگم که تو بر همه چیز قادر و توانایی.

پدر و مادر عزیزم! با این‌که در زندگیم پسر لایق و شایسته‌ای برایتان نبودم، ولی امیدوارم که مرا ببخشید و حلالم کرده باشید. همیشه و در همه حال به دنبال رضایت خداوند و اطاعت از او باشید. زندگی و تمام هستی خود را فدای ظهور امام زمان کنید و بدانید که رستگار نمی‌شوید، مگر که رهرو خمینی باشید. از خواهرانم می‌خواهم که حلالم کنند، می‌دانم که برایشان برادر خوبی نبودم و حق برادری را ادا نکردم.

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: ای پسر! بهترین چیزی که تو از وصیت من فراگیری، تقوی و ترس از خداست و اکتفا کردن به آنچه بر تو واجب گردانیده است. بدان که تو برای آخرت آفریده شده‌ای، نه برای دنیا.

^۱ نوعی سلاح دست‌ساز

^۲ یکی از بخش‌های تابعه شهرستان ارومیه

^۳ از جمله شهرهای استان آذربایجان غربی که در بخش صومای برادوست ارومیه جای دارد.

^۴ باشگاه خبرنگاران جوان (۹۶/۷/۲۴)





خاطره:

از جمله خاطرات خود نوشت شهید امامعلی سبزی می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد:

قرار بود برای شناسایی دشمن جلو برویم. شب بود و هوا تاریک. با برادران نماز را به جا آورده و دو رکعت نماز حاجت خواندیم و عازم منطقه شدیم. قرار بود تا عمق کمین‌های دشمن برویم. زیر لب هر لحظه آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَلَمِنَ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لَا يُبْصِرُونَ»^۵ را زمزمه می‌کردیم و از ته دل برای گروه از خدا طلب نصرت می‌کردیم. با کمک خدا و هدایت او از چند کمین دشمن عبور کرده و جلو رفتیم و در بالای یک تپه بودیم که ناگهان در نزدیکی مان صدای دو نفر عراقی را که ضامن‌ها را خارج کردند شنیدیم. به سرعت خود را از آنها عقب کشیدیم، غافل از آن که به سمت کمین دیگری می‌رویم. در همان حال خمپاره منور دشمن ما را زمین‌گیر نمود و چون کاملاً در دید بودیم، با سرعت تمام به شیار مجاور پریدیم و این کار فوق‌العاده خطرناک بود؛ چرا که در آن سکوت محض سر و صدای زیادی ایجاد شد. خود را به کف شیار رسانده از سمت دیگر به بالا رفتیم. در همان حال در چند قدمی خود صدای کمین دشمن را شنیدیم. از ته دل از خدا نصرت می‌خواستیم. با دوربین مادون قرمز به آنها نگاه کردم. با کمال حیرت دیدم که آنها نیز ما را ورنه می‌کنند. با ذکر خدا و طلب نصرت از او به سرعت جهت یابی کردیم و برگشتیم؛ در حالی که از سه سو در محاصره دشمن بودیم و از درون شیاری صاف که کاملاً در تیر رس بود، به سمت نیروهای خودی حرکت کردیم. از منطقه کمین دشمن دور نشده بودیم که خمپاره‌های منور پشت سر هم شلیک می‌شدند، ولیکن دشمن کور، بحمدالله ما را ندید و با موفقیت و سلامتی کامل برگشتیم.^۶

^۵ یس، ۹

^۶ <http://urmia.navideshahed.com> (۱۳۹۷/۲/۲۹)

